

## صدقه بگیرهای لایو هشت

بقیه از صفحه ۹

رژه ارتشهای تجاوز گر و دود کارخانه های اسلحه سازی به بیراهه تبدیل کرده است. کسی به این موضوع اعتراض نمی کند که ایدز بیماری مدرن برآمده از خطای مهندسی ژنتیک چرا در آفریقا مردم را مثل برگ خزان به زمین می ریزد؟ در مقابل اما بازار شایعه سازان و مزدورانی که خاک به چشم مردم می پاشند گرم است. شایعه می کنند که ایدز بیماری ای است که از همخوانی انسان با نوعی میمون آفریقایی شیوع پیدا کرده است. روز دیگر نوعی سوسک آفریقایی ناقل این بیماری است و دیگر روز، فلان حیوان یا انسان آفریقایی! چرا در همه حالت در این مجادلات آفریقا مقصر است؟ کسی می تواند به این پرسش پاسخ دهد؟ آیا کسی به این فکر می کند که مردم محنت زده کشورهای آفریقایی موش آزمایشگاهی مراکز تحقیقاتی ژنتیک و کمپانیهای دارو سازی شده اند؟ بعد صاحبان همین قدرت با وضع قوانین به ایجاد محدودیت در دسترسی به داروهای موجود می پردازند و اجازه انحصاری آنرا برای خود محفوظ می دارند تا کسانی که پول کافی برای پرداخت ندارند بمیرند. این است احسان سود پرستان و داشتن قدرت بلامنار و به یک کلام، قانون نانوشته سرمایه داری: "پول نداری بمیر!" از چنین کسانی انتظار بخشش داشتن و به درگاه آنان التماس و استغاثه کردن یعنی به قوانین، سود پرستی آنان، بی ارزش دانستن جان انسانها و تبعیض بین بی پول و پولدار برای دسترسی به دارو صحنه گذاشتن. انسانیت بی معنی است، معیار سنجش در جهان متمدن چیزی است که آفریقایی فقیر از آن بی بهره است. پس آفریقایی گرسنه است، بیمار است و بدبخت و بیچاره، لطف صدقات خود را به شکرانه رفاه و ثروتی که از غارت آنان بدست آورده اید، از ایشان دریغ نکنید. نمایش فقر و محنت مردم دستمایه ای شده است که باب گلدوفا با راهنمایی "تونی بلر"، درخواست بخشش بدهیهای کشورهای آفریقایی را به عنوان راه حل معضل فقر به سران هشت کشور صنعتی ارایه کند. این به معنی ادامه وضع موجود است، این یعنی این که دولتهایی که در راس کارند به حکومت خود ادامه دهند و همچنان کارگزار صاحبان صنایع بزرگ باقی بمانند. این یعنی که از استقلال سیاسی و اقتصادی خبری نیست و آنها باید همچنان مطیع دستورات بانک جهانی و صندوق بین المللی پول باقی بمانند. وامهایی که تاکنون به دولتها پرداخت شده، صرف قتل و کشتار مردم بی گناه شده و به هزینه ارتشهای رسیده که

شقاوت را به حد اعلا رسانده اند. این گونه بخشش یعنی مهر تأیید زدن به همه آن چه که تا کنون اتفاق افتاده و ادامه سیاستهای تا کنونی. بی دلیل هم نیست در بحران بی آینده گی ای که برای جهان ساخته اند، بُز طوع رو و خاکساری باب گلدوف ها، شاهراه رهایی می شود و مردم مشتاق حمایت، راه گم کرده به دنبال پیغمبرانی دروغین به ناکجا آبادی می روند که انتهای بر آن متصور نیست. اینان چه جایگزینی به جز سیاستهای خانمانسوز طراحان نظم نوین دارند تا به مردم ارایه کنند؟ جهانی سازی سرمایه یعنی همگانی کردن فقر. آیا دریای فقر حاصل از سیاستهای نئولیبرالیسم را ساحلی هست که ناجیان و غریق نجاتش باب گلدوفا باشند؟

چه کسی اجازه گول زدن دیگران را دارد؟ چرا به آنها اجازه می دهیم که ما را گول بزنند؟ چرا به جای اعتراض به این وضعیت پیش آمده باید به آنها التماس کنیم؟ ما مسئولیم، باید بدانیم که تأیید سیاستهای غیر انسانی، اشتراک در جرایم آنهاست. باید دست از این بی تفاوتی برداریم و علم اعتراض را بلند کنیم. بی رودریاستی آینده گان این گونه عملکرد ما را نخواهند پذیرفت و ما در برابر تاریخ شرمسار خواهیم ماند زیرا اندازه های انسانی خود را رعایت نکرده ایم و در قد و قواره خود ظاهر نشده ایم. شیفته صدای موسیقی و شهرت خوانندگان شدید و نخواستیم که ببینیم در اطرافمان چه می گذرد. در این وضعیت، نی لیک سحر آمیز آنها همه ما را نیز به دریا خواهد ریخت.

دست از سِر مردم بردارید! خورده اید، کُشته اید، برده اید، بس است! آفریقایی یا آسیایی، نیازی به صدقات شما ندارد. از تحمیل سیاستهای نابود کننده تان دست بردارید. از حمایت دولتهای ظالم و ضد مردمی دست بردارید. ما را به حال خود بگذارید. باور کنید که خود بهتر از شما راه چاره را می شناسیم. آنانی که خود را ناجی فرض کرده اند، بهتر است که لحظه ای به مسیبان وضع موجود بیاندیشند. نگاهی به دور و بر خود کنند - اگر چشمی برای دیدن مانده - تا ببینند که سوده های کلان کمپانیهای رنگارنگ چگونه سیر صعودی گرفته اند و با بستن همه راههای رشد و توسعه سیاسی و اقتصادی، مانع سر پا ایستادن مردم کشورهای فقیر می شوند. اگر شماها به ادامه وضع موجود علاقه دارید و چشم به بذل و بخشش صاحبان قدرت دوخته اید و دلتان می خواهد که از ریزه های سفره اغنیا با ادامه غارتگری لطفی هم به ما شود، ما راه دیگری بر می گزینیم. زیرا، ساغر ما که حریفان دگر می نوشند ما تحمل نکنیم گر تو روا می داری

۱- برای سیاحت به این آدرس مراجعه کنید:  
[http://go.hrw.com/atlas/norm\\_htm/africa.htm](http://go.hrw.com/atlas/norm_htm/africa.htm)

## ما و آنها

جعفر پویه روزگار غریبی است، دستهای آلوده به جنایت به سوی مردم دراز شده است و در کشاکش درون خانوادگی صاحبان قدرت، این افراد بیگناه اند که به خون می غلتند. تازه گی هم ندارند، هر وقت که کم آورده اند، ما را گوشت دم توپ کرده اند و از کشته ی ما پشته ساخته اند. بار دیگر در لندن حمل و نقل عمومی مورد یورش قرار گرفت، ترس و وحشت را بر مردم مستولی کرد و فریاد بگیر بگیر از هر طرف بلند است. چه کسی را؟

اینجای کار همان کانونی است که مورد نظر است. قوانین سخت گیرانه روز به روز دامنه گسترده تری می گیرد. همه افرادی که با مهاجرت و یا پناهندگی در اروپا زندگی می کنند، مورد اتهامند. جریانات و تشکلهای دست راستی با تقسیم بندی جدیدی به نام "آنها" وارد کارزار شده اند. این "آنها" آنچنان همه شمول است که کسی نمی تواند از سرند آن عبور کند. جامعه را به خودی و غیر خودی تقسیم کرده اند و اسم آنها نیز "ما" و "آنها" گذاشته اند. روند دسته بندی جامعه با هر حرکت گروه های ناشناخته و یا شناخته شده بمیگذار شدت می گیرد و دارند کار را به جایی می رسانند که مردم در خیابانها علیه هم سنگر بندی کنند. هر چند نیروهای امنیتی و پلیس عملی این کار را انجام داده اند ولی تصمیم به همه گیر کردن آن دارند.

در گورستان تهران، گردانها و لشگرهای انتحاری اعلام موجودیت می کنند. در تهران و تبریز همایش ترتیب می دهند و عملی علیه دیگران اعلام جنگ می دهند. اسمش را هم گذاشته اند گردانهای "زیتون". برگ زیتونی که علامت صلح است را آلوده کرده اند و تنفر و مرگ را تبلیغ و تشویق می کنند.

در پاکستان ژنرال مشرف بعد از ترور انتحاری اعضای مجلس هند، دستش را به روی ماشه بمب اتمی می گذارد تا در صورت عکس العمل هند آنها بفشارد. در غارهای تورنا بورا هنوز لشگرهای شناسنامه دار به زندگی غار نشینی ادامه می دهند و با ابزارهای فوق

مدرن دستورالعمل صادر می کنند. اما در خیابانهای اروپا جماعتی که از ظلم و ستم همجنس‌گرایان صاحبان لشگرهای انتحاری پناه آورده اند، مورد اتهام واقع شده اند و علیه آنها سختگیری می کنند و تهدید هم کرده اند که بدون هر رودریاستی آنها را اخراج خواهند کرد.

کجای دنیا دیگر امن است. در کجای جهان ما دیگر امنیت داریم؟ آنان با حيله و ترور وارد پناهگاههای ما شده اند، از دست ما چه بر می آید؟ می گویند اگر خواهان تحمل عقوبت نیستید، باید علیه یکدیگر جاسوسی کنید. می گویند، باید همکار سازمانهای اطلاعاتی شوید. باید هرگونه حرکت یکدیگر را گزارش کنید. این است نتیجه ترقه بازی چند نفری که خود را در راه عقیده فنا می کنند. کسی شاکای گردانها و لشگرهای انتحاری صاحب همایش در تهران و تبریز نیست، کسی به آنهاپی که ویروس آدمکش را تا تکثیر می کنند، هشدار نمی دهد، کسی به آنهاپی که تحت نام پناهجو و بریده از سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی، خبر چین و جاسوس در میان ما تعبیه کرده اند، اعتراض نمی کند اما ما را تحت فشار گذاشته اند، و امنیت ما را به خطر انداخته اند. با این وضعیت فردا می توان هرکسی که جمله ای علیه سیاستهای غیر مردمی و ضد انسانی بر زبان آورده باشد را به اتهام تروریست بازداشت و اخراج کرد. هرچند تا کنون نیز در مقاطع ضروری در ابعاد نه چندان وسیع همین گونه عمل کرده اند.

باید نقطه پایانی بر این سیر قهقراپی گذاشت. نباید گذاشت شکاف ساخته شده بین کلمه "ما" و "آنها" را زیاد کنند. ما همگی ماییم و در برابر تنفر و موج انفجار بمبهایشان آنهاپی وجود ندارند. نباید مقهور این شامورتی بازیها شد. جوخه های مرگ اکنون دیگر دست در دست همدیگر دارند تا امنیت فعالان سیاسی و اجتماعی و احزاب در تبعید را یکجا درو کنند. می گویند "جنگ علیه تروریسم تا آخرین نفر ادامه دارد" و این به معنای ادامه کشمکش و مرگ انسانهای بیگناه است. این ویروس به فضای لازم برای تکثیر نیاز دارد. نباید گذاشت با اعمال صاحبان قدرت این فضا برای آنان به وجود آید. ۳۱ تیر